

بنام خداوند بیمانند

ای بندگان سزاوار آنکه در این بهار جانفزا از باران نیسان یزدانی تازه و خرم شوید. خورشید بزرگی پرتو افکنده و ابر بخشش سایه گسترده با بهره کسی که خود را بی بهره نساخت و دوست را در این جامه بشناخت. بگو ای مردمان چراغ یزدان روشن است آن را به بادهای نافرمانی خاموش ننمائید. روز ستایش است باسایش تن و آرایش جان مپردازید. اهریمنان در کمینگاهان ایستاده‌اند آگاه باشید و بروشنی نام خداوند یکتا خود را از تاریکیها آزاد نمائید. دوست بین باشید نه خود بین. بگو ای گمراهان پیک راستگو مژده داد که دوست می‌آید اکنون آمد، چرا افسرده‌اید. آن پاك پوشیده بی پرده آمد، چرا پژمرده‌اید. آغاز و انجام، جنبش و آرام آشکار. امروز آغاز در انجام و جنبش در آرام نمودار. این جنبش از گرمی گفتار پروردگار در آفرینش هویدا شده. هر که این گرمی یافت بکوی دوست شتافت و هر که نیافت بیفسرد افسردنی که هرگز بر نخاست. امروز مرد دانش کسی است که آفرینش او را از بینش باز نداشت و گفتار او را از کردار دور ننمود. مرده کسی که از این باد جانبخش در این بامداد دلکش بیدار نشد و بسته مردی که گشاینده را شناخت و در زندان آز سرگردان بماند. ای بندگان هر که از این چشمه چشید بزندگی پاینده رسید و هر که نوشید از مردگان شمرده شد. بگو ای زشتکاران از شما را از

شنیدن آواز بی نیاز دور نمود از را بگذارید تا راز کردگار بیابید و او مانند آفتاب
جهانتاب روشن و پدیدار است. بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی
کوشش نمائید تا بگذرد و بشما آسیب نرساند. اسم بزرگ خداوند که ببزرگی آمده
بشناسید. اوست داننده و دارنده و نگهبان.